

قدیم راسته‌ی مشاغلی بوده که سر و صدایی داشته‌اند و بی‌سقف بودن این بخش حکمتی داشته و حالا دیگر این صنف نیستند و آن حکمت از میان رفته. بنابراین یا باید به همت میراث فرهنگی و گردشگری باید آن صنف در این راسته احیا شوند یا دست کم اگر چنین چیزی ممکن نیست، این بخش به همان شیوه‌ی سقف‌ها گنبدی باقی بازار مسقف شود یا حداقل یک خیمه اینجا نقش سایبان را برعهده گیرد تا نیاز امروز کسبه‌ی کنونی این بخش از بازار هم برآورده شود. اما در مقابل نه تنها در همه‌ی این سال‌ها چنین اتفاقی نیفتاده که در عمل شاهد بوده‌ایم که در خود راسته‌های مختلف بازار نیز مغازه‌های زیادی از روی ناآگاهی و در بی‌توجهی و نبود نظارت میراث فرهنگی، اصالت حجره‌هاشان را در بازسازی از بین برده‌اند و در میانه‌ی انبوهی از آجرکاری زیبا و سقف آجری و گنبدی، یکباره شما را با دیواره‌های آلومینیومی و سنگی و درهای سکوریت روبرو کرده‌اند! این میان بازار مشرف به این میدان یعنی بازار قوتوها مشکلات فراوانی مثل سیم‌کشی غیراستاندارد و خطر آفرین دارد.

اگر شبانه آتش‌سوزی اتفاق بیفتد، همه‌ی بازار را با خطر روبرو می‌کند. درحالی که امکان ورود کامیون‌های آتش‌نشانی نیز به این منطقه نیست.

پس علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. در این دوران رکود اقتصادی و دست خالی ادارات دولتی متولی فرهنگ از بودجه، تنها راه حل شاید توجه به صدای کسبه و نیازهاشان است.

کسبه‌ی زیادی به دنبال هزینه کردن برای مرمت حجره و مغازه‌شان هستند تا هم امنیت خود و کالاهاشان را از احتمال ویرانی و تخریب و خسارت بالا ببرند و هم نیازهای دیگر امروزشان را برآورده کنند.

اگر الگویی در مرمت به آن‌ها ارائه شود که براساس آن هم حفظ اصالت حجره‌ها و هم نیاز امروز کسبه برآورده شود، نیمی از راه را رفته‌ایم. تاکنون هم برخی از کسبه چه در راسته‌ی قهوه‌قوتو و چه در راسته‌های دیگر مثل همین میدان یا پارچه‌فروشان بازار جهرو یا برخی عطاری‌ها و... خودشان دست به کار شده و با استفاده از مشاوره کارشناسان معماری، نمای سنتی قدیم مغازه را با توجه به نیازهای امروزشان بازسازی کرده‌اند که حرکتی شایسته‌ی تقدیر است اما وقتی پای

حرف‌های همین کسبه‌ی محترم می‌نشیند از انواع و اقسام سنگ اندازی‌های اداره میراث فرهنگی در این راه خبر می‌دهند. یعنی کسبه وقتی با خرابی سقف حجره یا مشکلات این چنین روبرو می‌شوند و نیازمند مرمت و بازسازی مغازه‌شان هستند، اداره میراث به جای ارائه الگوی بازسازی تنها موجبات محدودیت و انواع سدها را در پیش راه این کسبه فراهم می‌کند و به سرگردانی کسبه می‌افزاید.

فروشگاه‌هایی از بازار و اطراف آن که طاقچه‌های قدیم و سقف گنبدی‌شان را با سفیدکاری و آجرکاری داخل حجره احیا کرده‌اند، اگر توسط مسوولان تشویق می‌شدند، ناخواسته مورد تقلید باقی کسبه قرار می‌گرفتند. اما این کارها نشده و موجبات دلگرمی برای الگو قرار دادن همین کار توسط کسبه‌ی دیگر فراهم نشده است. اگر این شیوه ادامه بیابد چه بسا اتفاق تلخی که برای برخی بازارهای شهرها کوچک افتاد برای بازار سیرجان هم پیش بیاید.

یعنی خالی از صنف شدن آن‌ها به تدریج، خوشبختانه تاکنون از رونق افتادن بازار قدیم و تنها حالت موزه‌ای شدن آن در سیرجان رخ نداده و شهر ما این توفیق را داشته که هنوز بازار قدیمش نفس بکشد. این فرصت را باید غنیمت شمرد و با رسیدن به الگوی مرمت حجره‌ها بر اساس نیاز روز کسبه، موقعیت پیش آمده را تقویت کرد. تا بازار سیرجان همچنان یک موجود زنده باشد و زنده باقی بماند و حتا با حفظ اصالت و قدمتش مورد توجه گردشگران قرار بگیرد، سرزنده‌تر شود و بازدید و گرمی و داغی بساطش افزون گردد.

شهرداری در این راستا کمکی که می‌تواند در حیطه‌ی مسئولیت خودش بکند، مرمت و آجرکاری کف بازار است. حتا شهرداری سیرجان می‌توانست با الگو گیری از خیابان‌های سنتی تهران و اصفهان و شیراز در سر و شکل دادن به مشکلات خیابان امام ورود کند. کارهایی که در گذشته توسط شهرداری سیرجان (مثلا در زمان زمان شهرداری منصور آبیاری) در خیابان بازار انجام شد، اکثرا غیر کارشناسی و بدون مطالعه بود و حالا باید شهرداری و شورای کنونی به کسبه‌ی بازار این اطمینان را بدهند که قطعا طرح شان کارشناسی و مطالعه شده است و با همراهی میراث فرهنگی و اداره اوقاف دست یاری هم‌دیگر را بفشارند و آستین همت بالا بزنند.